

Generational and Gender Psychological Differences in Attitudes Towards Marriage: a Comparison of Iranian Youth Born in the 1981s and 2001s

Article Info

Authors:

Nastaran Fekri¹, Sedigheh Heydari^{*2}, Mahdi Mahdizade Noudehi³

Keywords:

Marriage, attitude measurement, single girls and boys.

Article History:

Received: 2025-06-28

Accepted: 2025-08-23

Published: 2025-09-25

Correspondence:

Email:

Heydari_ss@yahoo.com

Abstract

Purpose: The aim of the present study was to analyze generational and gender psychological differences in attitudes towards marriage by targeting young Iranians born in the 1981s and 2001s.

Methodology: This study, using a descriptive-comparative method and sampling from university youth, analyzed generational and gender differences in cognitive, emotional, and behavioral components of attitudes toward marriage. Data were collected using the "Attitudes toward Marriage Assessment" checklist (2024) and analyzed with appropriate statistical methods (univariate and multivariate analysis of variance).

Findings: The findings showed that the attitudes of single girls and boys towards marriage differed significantly with respect to generational, gender and demographic variables ($P < 0.01$, $P < 0.05$). Differences were observed in the perception of obstacles and solutions to facilitate marriage between the generations of the 1981s and 2001s ($P < 0.01$, $P < 0.05$), but no significant difference was observed regarding positive outcomes ($P > 0.05$). The new generation had an analytical, individualistic and conditional view of marriage, while the previous generation adopted a more traditional and collectivist attitude. These findings confirmed the research hypotheses.

Conclusion: The research findings indicate a profound transformation in the new generation's attitude towards marriage and a transition from traditional values to modern, analytical, and participatory approaches. Generational and gender differences in attitudes towards marriage highlight the need to review cultural, educational, and counseling policies.

-
1. Department of Psychology, E-Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
 2. Department of Psychology, Faculty of Psychology, Amiralmoemenin University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. (Corresponding Author)
 3. Department of Psychology, E-Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

تفاوت‌های روان‌شناختی نسلی و جنسیتی در نگرش به ازدواج: مقایسه جوانان ایرانی متولد دهه‌های ۶۰ و ۸۰

نسترن فکری^۱، صدیقه حیدری^{۲*}، مهدی مهدی‌زاده نودهی^۳

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر، تحلیل تفاوت‌های روان‌شناختی نسلی و جنسیتی در نگرش به ازدواج با هدف قرار دادن جوانان ایرانی متولد دهه‌های ۶۰ و ۸۰ بود.

روش: این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-مقایسه‌ای و با نمونه‌گیری از میان جوانان دانشگاهی، به تحلیل تفاوت‌های نسلی و جنسیتی در مؤلفه‌های شناختی، هیجانی و رفتاری نگرش به ازدواج پرداخت. داده‌ها با استفاده از چک‌لیست «سنجش نگرش به ازدواج» (۱۴۰۳) گردآوری و با روش‌های آماری مناسب (تحلیل واریانس تک‌متغیره و چندمتغیره) تحلیل شدند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که نگرش دختران و پسران مجرد نسبت به ازدواج به‌طور معناداری با توجه به تفاوت‌های نسلی، جنسیتی و متغیرهای جمعیت‌شناختی متفاوت است ($P<0.01$, $P<0.05$). تفاوت‌هایی در درک موانع و راهکارهای تسهیل ازدواج بین نسل‌های دهه ۶۰ و ۸۰ مشاهده شد ($P<0.01$, $P<0.05$) اما در خصوص پیامدهای مثبت تفاوت معناداری مشاهده نگردید ($P>0.05$). نسل جدید نگاهی تحلیلی، فردگرایانه و مشروط به ازدواج داشت، در حالی که نسل پیشین نگرشی سنت‌گراتر و جمع‌محورتر اتخاذ می‌نمود. این یافته‌ها فرضیه‌های پژوهش را تأیید کرد.

نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش بیانگر تحول عمیق نگرش نسل جدید نسبت به ازدواج و گذار از ارزش‌های سنتی به رویکردهای مدرن، تحلیلی و مشارکت‌محور است. تفاوت‌های نسلی و جنسیتی در نگرش به ازدواج، ضرورت بازنگری در سیاست‌های فرهنگی، آموزشی و مشاوره‌ای را برجسته می‌سازد.

کلیدواژه‌ها: ازدواج، سنجش نگرش، دختران و پسران مجرد.

^۱ گروه روانشناسی، واحد الکترونیکی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی، دانشگاه امیرالمومنین (ع) اهواز، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول: heydari_ss@yahoo.com)

^۳ گروه روانشناسی، واحد الکترونیکی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

ازدواج یکی از مهم‌ترین تصمیمات زندگی انسان است که هم در سطح فردی و هم در سطح اجتماعی پیامدهای عمیق و گسترده‌ای دارد. از منظر روان‌شناسی اجتماعی، ازدواج نه تنها یک پیمان رسمی بین دو فرد بلکه ساختاری اجتماعی با بارهای عاطفی، شناختی، و ارزشی است که شکل‌گیری نگرش نسبت به آن، تحت تأثیر عوامل بین فردی و اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی صورت می‌پذیرد (Vannier & O'Sullivan, 2017). نگرش به ازدواج به عنوان یک سازه چندبعدی، شامل ابعاد شناختی (باورها و اطلاعات فرد درباره ازدواج)، عاطفی (احساسات مثبت یا منفی نسبت به آن) و رفتاری (تمایل یا اجتناب از ازدواج) است. این نگرش‌ها در طول زمان و تحت تأثیر تغییرات نسلی، تحولات فرهنگی، تحصیلات، تجربه‌های خانوادگی و رسانه‌های نوین دستخوش تغییر می‌شوند (Keldal & Atli, 2020).

در جامعه ایران، طی سه دهه اخیر، شاهد دگرگونی‌های بنیادین در نگرش جوانان نسبت به ازدواج هستیم؛ دگرگونی‌هایی که گاه به تأخیر در سن ازدواج، افزایش گرایش به مجرد، و افزایش طلاق عاطفی حتی درون زندگی زناشویی منجر شده است (Tajbakhsh and Nasiri, 2021; Ghorbani and Torabi, 2021). این تحولات را نمی‌توان صرفاً ناشی از تغییرات اقتصادی یا فشارهای بیرونی دانست؛ بلکه باید آن‌ها را از منظر روان‌شناختی و فرهنگی نیز تحلیل کرد. بررسی‌های روان‌شناسانه نشان می‌دهد که تغییر نگرش نسبت به ازدواج، بازتابی از تحولات در سبک‌های دلبستگی، هویت‌یابی فردی، تغییر در اولویت‌های ارزشی، و افزایش فردگرایی به‌ویژه در نسل جدید است. مقایسه بین‌نسلی در جامعه ایران به‌ویژه بین دو نسل متولد دهه ۶۰ و دهه ۸۰ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نسل متولد دهه ۶۰ که در فضای پس از انقلاب، جنگ و دوران بازسازی رشد یافته، غالباً نگرشی سنت‌گرا تر و مسئولیت‌مدارتر نسبت به ازدواج دارد. این نسل ازدواج را یک وظیفه اخلاقی، دینی و اجتماعی تلقی می‌کرد که برای تشکیل خانواده، استمرار نسل و کسب هویت اجتماعی باید به‌موقع و مطابق هنجارهای غالب انجام شود (Kazemipour, 2022; Ghanipourajarabad & javamshirafshar, 2022). در مقابل، نسل متولد دهه ۸۰ که در فضای بازتر رسانه‌ای، رشد فناوری اطلاعات، گسترش شبکه‌های اجتماعی و افول برخی اقتدارهای سنتی رشد کرده است، نگرشی انتخاب‌گرایانه، تاحدی تردیدآمیز و فردمحور نسبت به ازدواج اتخاذ کرده است (Cheng & Yang, 2021).

از سوی دیگر، ساختار خانوادگی و سبک‌های فرزندپروری نیز در تکوین نگرش‌های متفاوت به ازدواج مؤثر بوده‌اند. فرزندان دهه ۸۰ معمولاً در خانواده‌هایی پرورش یافته‌اند که والدینشان از نسل دهه ۶۰ بودند و خود تجربه‌های متفاوتی از ازدواج داشته‌اند؛ گاه با انتظارات تحقق نیافته، فشار اقتصادی و نارضایتی‌های زناشویی. این تجربه‌ها ممکن است از طریق «انتقال بین‌نسلی نگرش‌ها» بر دیدگاه‌های نسل جوان تر اثر گذاشته باشد (Ghazanfari et al., 2018).

از دیدگاه روان‌شناسی فرهنگی نیز، تغییر در نگرش به ازدواج را می‌توان نتیجه فرآیندهای مدرنیزاسیون، جهانی شدن فرهنگی، و رشد فضای مجازی دانست که هنجارهای جدیدی از روابط عاطفی، صمیمیت، نقش‌های جنسیتی و حتی هویت جنسی را به جوانان عرضه می‌کند (Abdi Zarrin et al., 2022). در این فضا، بسیاری از باورهای سنتی به چالش کشیده شده‌اند و ارزش‌های فردگرایانه، خودتحقق‌بخشی، و آزادی در انتخاب شریک زندگی اهمیت بیشتری یافته‌اند. در نتیجه، شاهد شکاف ارزشی و نگرشی میان نسل‌های مختلف هستیم که خود به تعارضات درون‌خانوادگی، سوءتفاهم میان والدین و فرزندان، و سردرگمی تصمیم‌گیری در جوانان منجر شده است.

برخی مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهند که نگرش به ازدواج در میان جوانان کشورهای مختلف تحت تأثیر مدرنیزاسیون و تغییر ارزش‌ها قرار گرفته است (Inglehart & Welzel, 2005). در این راستا، یافته‌های پژوهش Delkhamoosh (۲۰۱۳) نشان داد که بسیاری از جوانان ازدواج را وسیله‌ای برای خروج از تنهایی، تأمین عاطفی و ساختاردهی به زندگی تلقی می‌کنند. این نگرش در بین زنان و مردان نسبتاً مشابه بود.

در پژوهش Ghyasvand (۲۰۲۴)، مشخص شد که نگرش جوانان به ازدواج بیشتر تحت تأثیر انتظارات از نقش‌های زناشویی و تصویر ذهنی آن‌ها از موفقیت خانوادگی است. آن‌ها ازدواج را راهی برای تحقق هویت اجتماعی خود تلقی می‌کنند. برخی از جوانان، به‌ویژه در نسل‌های جدید، ازدواج را بستری برای ایجاد تعادل میان زندگی حرفه‌ای و عاطفی

می‌دانند (Imam & Akhouri, 2022). مطالعات نسلی نشان می‌دهد که نگرش جوانان امروزی نسبت به ازدواج در مقایسه با نسل‌های گذشته دستخوش تغییرات قابل توجهی شده است (Razeghi et al., 2017). شواهد نشان می‌دهد که افراد متأهل بیشتر از مجردها در مسیر توسعه فردی گام برمی‌دارند (Mikulincer & Shaver, 2010). در مطالعه‌ای از Nikkhah و همکاران (۲۰۱۷)، پاسخ‌دهندگان ازدواج را زمینه‌ساز شکوفایی مهارت‌های ارتباطی، حل مسئله و افزایش مسئولیت‌پذیری می‌دانستند. این ویژگی‌ها اغلب به‌عنوان پیامدهای مثبت فردی ازدواج تلقی می‌شوند. نگرش‌های مثبت نسبت به ازدواج همچنین ریشه در تجربه‌های والدین و نزدیکان دارد. نگرش به ازدواج یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم در بررسی‌های اجتماعی و روان‌شناختی مربوط به خانواده است. این نگرش تنها بازتاب یک احساس یا باور ساده نیست، بلکه ساختاری چندلایه و چندبعدی است که تحت تأثیر عناصر مختلفی چون تجربه‌های فردی، ساختارهای فرهنگی، گفتمان‌های نسلی، و فرآیندهای اجتماعی‌سازی شکل می‌گیرد (Karimi, 2023; Schultz & Schultz, 2024). مطالعات متعدد داخلی و بین‌المللی از جمله پژوهش‌های Ebrahimi و همکاران (۲۰۲۰)، FallahMinbashi و Aghasi (۲۰۱۵) و نیز مطالعات تطبیقی مانند تحقیقات Cheng & Yang (۲۰۲۱) و Keldal & Atli (۲۰۲۰)، همگی بر نقش پررنگ عوامل نسلی، فرهنگی، اقتصادی، جنسیتی و روان‌شناختی در شکل‌دهی نگرش به ازدواج تأکید کرده‌اند. این مطالعات نشان می‌دهند که مؤلفه‌هایی نظیر هویت فردی، باورهای مذهبی، انتظارات از همسر، تجربه‌های خانوادگی، و تحولات اقتصادی - اجتماعی، از جمله تعیین‌کننده‌های اصلی دیدگاه جوانان نسبت به مقوله ازدواج هستند. در پژوهش میدانی Foroutan (۲۰۱۹)، بسیاری از جوانان اظهار کردند که ازدواج تنها در صورتی مطلوب است که با سطح خاصی از صمیمیت، درک متقابل و استقلال همراه باشد. این نگرش‌ها نشان‌دهنده تغییر در الگوهای مطلوب زناشویی است. علاوه بر این، تحقیقات حاکی از آن است که پسران تمایل بیشتری به ازدواج‌های سنتی و درون‌گروهی نشان می‌دهند (Bagi and Sadeghi, 2023). از این‌رو، بررسی شکاف نسلی در نگرش به ازدواج، به‌ویژه در میان دختران و پسران مجرد، نه‌تنها از حیث علمی و پژوهشی اهمیت دارد، بلکه در حوزه‌های مشاوره پیش از ازدواج، روان‌درمانی زوجین، آموزش مهارت‌های زندگی و سیاست‌گذاری فرهنگی نیز کاربرد دارد. با درک دقیق‌تر این تفاوت‌ها، می‌توان مداخلات روان‌شناختی و آموزشی را متناسب با ویژگی‌های هر نسل طراحی کرد و از تعمیق بحران‌های خانوادگی و زناشویی در آینده پیشگیری نمود. با توجه به مطالب فوق، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این مسئله اساسی بود که نگرش دختران و پسران مجرد ایرانی متولد دهه ۶۰ و ۸۰ نسبت به ازدواج چه تفاوت‌هایی دارد؟

روش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های علی-مقایسه‌ای است و به شیوه‌ی کمی انجام شده است. هدف اصلی این پژوهش، مقایسه‌ی نگرش نسبت به پیامدهای مثبت ازدواج در میان دو نسل از جوانان نسل متولد دهه‌ی ۱۳۶۰ و نسل متولد دهه‌ی ۱۳۸۰ ایرانی بود. این دو نسل در بسترهای اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی متفاوتی رشد یافته‌اند و انتظار می‌رود نگرش‌های متفاوتی نسبت به پدیده‌ی ازدواج داشته باشند.

جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلیه‌ی افراد مجرد (هرگز ازدواج نکرده) متولد دهه‌ی ۱۳۶۰ و دهه‌ی ۱۳۸۰ در ۵ منطقه ایران است که در زمان گردآوری داده‌ها در سال ۱۴۰۳، دانشجوی بوده‌اند. تمرکز بر جامعه‌ی دانشجویی به دلیل تنوع فرهنگی و جمعیتی، امکان تعمیم‌پذیری نتایج را افزایش می‌دهد. لازم به ذکر است که استان‌های ایران در سال ۱۳۹۳ در طبقه‌بندی جدید توسط وزارت کشور جمهوری اسلامی ایران در قالب ۵ منطقه بر حسب عوامل همجواری، محل جغرافیایی و اشتراکات قرار گرفتند. هر منطقه یک دبیرخانه دائمی دارد که شهرهای تهران، شیراز، تبریز، کرمانشاه و مشهد به ترتیب محل دبیرخانه مناطق ۱ تا ۵ هستند. این طبقه‌بندی، یک طبقه‌بندی داخلی مربوط به وزارت کشور است و نباید با تقسیمات کشوری در ایران که مصوب مجلس شورای اسلامی هستند اشتباه گرفته شود. در جدول (۱) این تقسیم‌بندی ارائه شده است.

جدول ۱. مناطق ۵ گانه کشور

منطقه	محل دبیرخانه	استان‌ها
۱	تهران	تهران، قزوین، مازندران، سمنان، گلستان، البرز، قم
۲	فارس	اصفهان، فارس، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، هرمزگان، کهگیلویه و بویراحمد
۳	تبریز	آذربایجان شرقی و غربی، کردستان، زنجان، گیلان، اردبیل
۴	کرمانشاه	لرستان، ایلام، کرمانشاه، همدان، مرکزی، خوزستان
۵	مشهد	خراسان (رضوی، جنوبی، شمالی) کرمان، یزد، سیستان و بلوچستان

با توجه به محدودیت‌های اجرایی و ملاحظات اخلاقی، حجم نمونه در هر گروه (دهه‌ی ۶۰ و دهه‌ی ۸۰) با احتساب ریزش نمونه و با در نظر گرفتن پراکندگی جغرافیایی، ۲۵۰ نفر محدود شد؛ در مجموع ۵۰۰ نفر که پس از حذف داده‌های پرت به ۴۲۵ نفر سید (۲۰۷ نفر متولد دهه ۶۰ و ۲۱۸ نفر متولد دهه ۸۰). روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود. ابتدا مناطق مختلف کشور به عنوان خوشه‌های اولیه انتخاب شدند و سپس در هر منطقه، استان‌های موجود به عنوان خوشه‌های فرعی در نظر گرفته شدند. در مرحله‌ی نهایی، نمونه‌گیری به شیوه‌ی داوطلبانه از میان افراد داوطلب صورت گرفت.

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش «چکلیست نگرش به ازدواج» تدوین شده توسط Heydari (۲۰۲۴) بود که به منظور سنجش نگرش دختران و پسران مجرد متولد دهه‌های مختلف طراحی گردیده است. این چکلیست شامل ۳ بُعد اصلی نگرش نسبت به موانع ازدواج (شامل مواردی چون نداشتن شغل، مسکن، درآمد کافی، هزینه‌های مراسم ازدواج، سخت‌گیری خانواده‌ها، و...)، نگرش نسبت به پیامدهای مثبت ازدواج (از جمله فرزندآوری، کاهش افسردگی، بهبود نیروی کار جوان، ایجاد امنیت روانی، کاهش تجردگرایی، و...) و نگرش نسبت به راهکارهای تسهیل ازدواج (شامل راه‌حلهایی که افراد برای کاهش موانع ازدواج پیشنهاد می‌کنند به عنوان مثال راهکارهای اقتصادی، فرهنگی و آموزشی و...) است. سوالات این چکلیست در قالب ۸ سوال جمعیت‌شناختی (دهه تولد، جنسیت، تحصیلات، وضعیت تاهل، وضعیت اشتغال، محل زندگی (شهرنشین/روستائین)، وضعیت زندگی (زندگی با والدین/جدا از والدین)، استان) و ۳۲ سوال اصلی با پوشش ۸۰ مولفه (شاخص‌های مربوط به کاهش میل به ازدواج، راهکارهای افزایش میل به ازدواج، پیامدهای بهبود میل به ازدواج) است. شیوه پاسخگویی به این ابزار با استفاده از طیف لیکرت ۷ درجه‌ای تدوین شده است که پاسخ‌دهندگان میزان موافقت یا اهمیت هر گزاره را در یکی از سطوح «کاملاً مخالفم»/«اصلاً مهم نیست» تا «کاملاً موافقم»/«بسیار مهم است» مشخص می‌کنند. این چکلیست امکان تحلیل دقیق نگرش‌ها را در ابعاد شناختی، عاطفی و ارزشی فراهم می‌سازد. روایی و اعتبار این چکلیست توسط Heydari (۲۰۲۴) با کاربری تحلیل عاملی تاییدی و اکتشافی بررسی شد که در نتیجه آن تحلیل عاملی اکتشافی منجر به شناسایی ۱۰ عامل معتبر شد. تحلیل عاملی تاییدی نیز برای تأیید ساختار کشف شده با استفاده از داده‌های نسل‌های مختلف به کار رفت که در آن شاخص‌های برازندگی مدل مقادیر مطلوبی را نشان داد. در مجموع، ابزار تدوین شده از روایی و اعتبار مناسبی برخوردار بود.

در این پژوهش، پس از جمع‌آوری داده‌ها از طریق چکلیست نگرش به ازدواج Heydari (۲۰۲۴)، تحلیل آماری داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۷ و در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام شد.

یافته‌ها

توزیع جنسیتی پاسخ‌دهندگان در دو نسل دهه ۶۰ و ۸۰ حاکی از آن بود که در نسل دهه ۶۰، از ۲۰۷ نفر شرکت‌کننده، ۸۱ نفر (۳۹.۳٪) مرد و ۱۲۵ نفر (۶۰.۷٪) زن بودند. این در حالی است که در نسل دهه ۸۰، از ۲۱۸ نفر، ۶۶ نفر (۳۰.۴٪) مرد و ۱۵۱ نفر (۶۹.۶٪) زن مشارکت داشتند. داده‌های مفقوده در هر دو گروه کمتر از ۱٪ بود که نشان‌دهنده کیفیت بالای جمع‌آوری داده‌هاست. این توزیع نشان‌دهنده غلبه قابل توجه پاسخ‌دهندگان زن در هر دو نسل است. مقایسه بین دو نسل نشان‌دهنده افزایش شکاف جنسیتی در نمونه‌گیری است. در حالی که در دهه ۶۰ نسبت زن به مرد حدود ۶۰ به ۴۰ بود، این نسبت در دهه ۸۰ به ۷۰ به ۳۰ تغییر یافته است. این تغییر ۱۰ درصدی در شکاف

جنسیتی می‌تواند ناشی از تفاوت در تمایل به مشارکت یا دسترسی به نمونه‌ها باشد. چنین عدم تعادلی در نمونه‌گیری ممکن است بر نتایج پژوهش تأثیر بگذارد، چرا که نگرش‌های جنسیتی نسبت به ازدواج می‌تواند متفاوت باشد. بنابراین، باید در تفسیر نتایج این محدودیت مدنظر قرار گیرد.

غلبه پاسخ‌دهندگان زن در این پژوهش می‌تواند چندین تفسیر داشته باشد. از یک سو، ممکن است زنان تمایل بیشتری به بیان دیدگاه‌های خود درباره ازدواج داشته باشند. از سوی دیگر، احتمال دارد روش‌های نمونه‌گیری (مثلاً استفاده از شبکه‌های اجتماعی خاص) به جمع‌آوری پاسخ‌های زنان منجر شده باشد. همچنین، این امکان وجود دارد که زنان نسبت به مردان حساسیت بیشتری به موضوع ازدواج نشان دهند. چنین الگویی نیاز به تحلیل‌های عمیق‌تر برای فهم دلایل آن دارد. این یافته به خودی خود می‌تواند موضوع پژوهشی مستقل باشد. اما از منظر روش‌شناسی، این عدم تعادل جنسیتی چالش‌هایی را ایجاد می‌کند. هنگام مقایسه نگرش‌های دو نسل، باید اثر ترکیب جنسیتی متفاوت را کنترل کرد.

در خصوص ابعاد نگرش به ازدواج نیز، یافته‌های توصیفی حاکی از آن بود که در بعد «موانع ازدواج»، میانگین نمره نسل دهه ۸۰ (۲۲۷.۱۶) نسبت به دهه ۶۰ (۲۱۷.۲۰) بالاتر بوده که نشان‌دهنده ادراک قوی‌تر موانع ازدواج در نسل جوانتر می‌باشد. انحراف معیار کمتر در نسل دهه ۸۰ (۳۱.۹۰) در مقابل (۳۷.۱۷) حاکی از همگنی بیشتر دیدگاه‌ها در این نسل بود. توزیع داده‌ها در هر دو نسل با چولگی منفی (دهه ۶۰: -۰.۷۳، دهه ۸۰: -۱.۲۰) نشان داد که بیشتر پاسخ‌دهندگان موانع را در سطح بالایی ارزیابی کرده‌اند. در بعد «پیامدهای ازدواج»، میانگین نمرات هر دو نسل نزدیک به هم بود (دهه ۶۰: ۷۲.۵۷، دهه ۸۰: ۷۴.۱۲)، اما انحراف معیار بالاتر در نسل دهه ۸۰ (۱۷.۴۶) در مقابل (۱۶.۱۹) نشان‌دهنده تنوع بیشتر دیدگاه‌ها در این نسل بوده است. چولگی منفی در هر دو نسل (دهه ۶۰: -۰.۴۸، دهه ۸۰: -۰.۷۶) بیانگر آن بود که بیشتر پاسخ‌دهندگان پیامدهای ازدواج را مثبت ارزیابی کرده‌اند. کشیدگی نزدیک به صفر در هر دو نسل نیز نشان داد توزیع داده‌ها از نظر ارتفاع نزدیک به توزیع نرمال است. در بعد «راهکارها» نیز میانگین بالاتری در نسل دهه ۸۰ (۱۳۵.۴۲) در مقابل (۱۳۰.۰۱) نشان مشاهده شد که می‌تواند بیانگر توجه بیشتر نسل جوان به ارائه راهکار برای تسهیل ازدواج باشد. انحراف معیار مشابه در دو نسل (حدود ۲۳.۵) حاکی از پراکندگی نسبتاً یکسان دیدگاه‌ها بوده است. چولگی منفی قوی‌تر در نسل دهه ۸۰ (-۱.۰۸) در مقابل (-۰.۹۲) نشان دهنده آن بود که تمرکز پاسخ‌ها در سطوح بالاتر راهکارها در این نسل بیشتر بوده است. کشیدگی مثبت در هر دو نسل بیانگر تمرکز بیشتر داده‌ها حول میانگین نسبت به توزیع نرمال است. علاوه بر این، مقایسه دامنه نمرات در بعد موانع ازدواج نشان می‌دهد حداقل نمره در نسل دهه ۸۰ (۱۰۰) بالاتر از دهه ۶۰ (۸۰) است که می‌تواند نشان‌دهنده ادراک عمومی بالاتر از موانع در نسل جوان باشد. در مقابل در بعد پیامدها، نسل دهه ۸۰ دامنه وسیع‌تری (۱۴-۹۸) در مقابل (۱۶-۹۸) نشان داد که حاکی از وجود دیدگاه‌های متنوع‌تر، از بسیار منفی تا بسیار مثبت، در این نسل بود. این در حالی است که در بعد راهکارها، حداکثر نمره در هر دو نسل یکسان (۱۶۸) اما حداقل نمره در نسل دهه ۸۰ (۵۷) بالاتر از دهه ۶۰ (۴۱) است. از دیدگاه روش‌شناسی، چولگی منفی در تمام ابعاد و در هر دو نسل نشان می‌دهد که بیشتر پاسخ‌دهندگان نمرات بالاتری را انتخاب کرده‌اند. این الگو می‌تواند نشان‌دهنده تمایل کلی مثبت به ازدواج در هر دو نسل باشد، هرچند با درجات متفاوت. تفاوت در میزان چولگی بین دو نسل، به ویژه در بعد موانع، می‌تواند نشان‌دهنده تفاوت در تجارب زیسته یا شرایط اجتماعی-اقتصادی متفاوت باشد که نیاز به تحلیل‌های عمیق‌تر دارد. در جمع‌بندی نهایی، اگرچه هر دو نسل به پیامدهای ازدواج نمرات مشابهی داده‌اند، اما نسل دهه ۸۰ موانع را بزرگ‌تر می‌بینند و راهکارهای بیشتری ارائه می‌دهند. این یافته‌ها می‌تواند بیانگر این باشد که نسل جوان با وجود درک عمیق‌تر از موانع، همچنان به ازدواج به عنوان یک ارزش نگاه می‌کند، اما با شرایطی متفاوت.

دست‌آورد تحلیل‌ها در خصوص مقایسه متغیرهای جمعیت شناختی به تفکیک دهه تولد، نشان داد که تفاوت‌های معناداری بین دو گروه دهه ۶۰ و ۸۰ براساس جنسیت، تحصیلات، وضعیت اشتغال، محل زندگی، وضعیت زندگی و مناطق ۵ گانه کشوری نسبت به ازدواج وجود داشته است زیرا در بخش تحلیل چندمتغیره، مقدار F بالا (۲۷۸۸/۶۸۱)

در سطح معناداری $p < 0.01$ معنادار شد. نسل‌های مختلف از نظر شغلی و جغرافیایی نگرش متفاوتی نسبت به ازدواج داشتند و بررسی متغیرهای تحصیلات نشان داد که سطح تحصیلات و جنسیت نیز تحت تأثیر دهه تولد قرار داشته است. به‌ویژه، تفاوت در نگرش بین زنان و مردان در دو دهه مورد بررسی معنادار بوده است. همچنین، افزایش سطح تحصیلات در دهه ۸۰ ممکن است به تغییر نگرش آن‌ها نسبت به ازدواج منجر شده باشد. متغیرهای "وضعیت زندگی" و "محل زندگی"، نیز تفاوت‌های معناداری را بین دو دهه نشان داد. این یافته‌ها بیانگر آن بود که شرایط زندگی (مانند مستقل یا غیرمستقل بودن) و محل سکونت (شهری یا روستایی) در نگرش به ازدواج تأثیرگذار بوده‌اند. به‌طور خاص، نسل دهه ۸۰ احتمالاً به دلیل تغییرات اجتماعی، نگرش متفاوتی نسبت به ازدواج دارد. در مجموع، نتایج نشان داد که نگرش به ازدواج در بین متولدین دهه ۶۰ و ۸۰ به‌طور معناداری متفاوت است. این تفاوت‌ها تحت تأثیر عوامل جمعیت‌شناختی مانند جنسیت، تحصیلات، وضعیت اشتغال، محل زندگی و منطقه جغرافیایی قرار دارد. این یافته‌ها می‌تواند به سیاست‌گذاران و پژوهشگران کمک کند تا برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و فرهنگی بهتری برای هر نسل انجام دهند.

جدول ۲. نتایج آزمون تحلیل واریانس برای بررسی تفاوت نگرش دختران و پسران مجرد متولد دهه‌های ۶۰ و ۸۰ نسبت به موانع ازدواج

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	Sig.	توان آزمون
مدل تصحیح شده	۱۰۵۱۸/۴۵	۱	۱۰۵۱۸/۴۵	۸/۸۰	۰/۰۰۳	۰/۸۴
عرض از مبدأ	۲۰۹۶۵۵۱۸/۱۶	۱	۲۰۹۶۵۵۱۸/۱۶	۱۷۵۴۴/۸۱	۰/۰۰۱	۱/۰۰
دهه تولد	۱۰۵۱۸/۴۵	۱	۱۰۵۱۸/۴۵	۸/۸۰	۰/۰۰۳	۰/۸۴
خطا	۵۰۵۴۷۲/۱۸	۴۲۳	۱۱۹۴/۹۷			
کل	۲۱۵۱۹۸۹۵/۰۰	۴۲۵				
کل تصحیح شده	۵۱۵۲۹۰/۶۲	۴۲۴				

مطابق جدول (۲)، در بررسی تفاوت نگرش دختران و پسران مجرد متولد دهه‌های ۶۰ و ۸۰ نسبت به موانع ازدواج، نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه نشان داد که تفاوت بین دو گروه از نظر آماری معنادار است ($F=80.80$, $P<0.01$). این یافته تأیید می‌کند که بین نگرش متولدین دهه ۶۰ و ۸۰ نسبت به موانع ازدواج تفاوت معناداری وجود دارد. مقدار F به دست آمده و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۱ نشان دهنده قدرت بالای این تفاوت است. توان آزمون برابر با ۰/۸۴ است که نشان می‌دهد آزمون از قدرت کافی برای تشخیص تفاوت واقعی برخوردار بوده است. مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که متولدین دهه ۸۰ به‌طور میانگین نمره بالاتری در مقیاس موانع ازدواج کسب کرده‌اند. همچنین انحراف معیار کمتر در گروه دهه ۸۰ (۳۱/۹۰) در مقابل (۳۷/۱۷) نشان می‌دهد که پاسخ‌های این گروه همگنی بیشتری داشته است. این یافته می‌تواند حاکی از تجربه مشترک‌تر این نسل از موانع ازدواج باشد. از دیدگاه بالینی، این تفاوت ۱۰ امتیازی در نمره موانع ازدواج می‌تواند نشان دهنده تغییرات اجتماعی و اقتصادی مؤثر بر نگرش نسل جوان باشد. عواملی مانند دشواری‌های اقتصادی، تغییر ارزش‌های اجتماعی و انتظارات جدید از ازدواج ممکن است در این تفاوت نقش داشته باشند. این یافته‌ها برای برنامه‌ریزان اجتماعی و مشاوران خانواده حائز اهمیت است.

جدول ۳. نتایج آزمون تحلیل واریانس برای بررسی تفاوت نگرش دختران و پسران مجرد متولد دهه‌های ۶۰ و ۸۰ نسبت به پیامدهای مثبت ازدواج

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	Sig.	توان آزمون
مدل تصحیح شده	۲۵۳/۲۵	۱	۲۵۳/۲۵	۰/۸۹	۰/۳۵	۰/۱۶
عرض از مبدأ	۲۲۸۴۸۸/۳۹	۱	۲۲۸۴۸۸/۳۹	۸۰۴۶/۳۳	۰/۰۰۱	۱/۰۰
دهه تولد	۲۵۳/۲۵	۱	۲۵۳/۲۵	۰/۸۹	۰/۳۵	۰/۱۶
خطا	۱۲۰۱۱۷/۴۹	۴۲۳	۲۸۳/۹۷			
کل	۲۴۰۸۰۲۹/۰۰	۴۲۵				
کل تصحیح شده	۱۲۰۳۷۰/۷۴	۴۲۴				

مطابق جدول (۳) آزمون تحلیل واریانس یکطرفه نشان داد که تفاوت بین دو گروه از نظر آماری معنادار نیست ($P>0.05$). این یافته نشان می‌دهد که بین نگرش متولدین دهه ۶۰ و ۸۰ نسبت به پیامدهای مثبت ازدواج تفاوت معناداری وجود ندارد. مقدار F به دست آمده و سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ نشان دهنده عدم وجود تفاوت آماری معنی‌دار بین دو گروه است. توان آزمون برابر با ۰/۱۶ نشان می‌دهد آزمون از قدرت کافی برای تشخیص تفاوت واقعی برخوردار نبوده است. مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که اگرچه متولدین دهه ۸۰ به طور میانگین نمره اندکی بالاتری در مقیاس پیامدهای مثبت ازدواج کسب کرده‌اند (تفاوت حدود ۱/۵۴ امتیازی)، اما این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار نیست. انحراف معیارها در دو گروه نسبتاً مشابه است (۱۶/۱۹ در مقابل ۱۷/۴۶)، که نشان می‌دهد پراکندگی نمرات در دو گروه تقریباً یکسان بوده است. از دیدگاه بالینی، این یافته نشان می‌دهد که با وجود تغییرات اجتماعی و فرهنگی بین دو نسل، نگرش نسبت به پیامدهای مثبت ازدواج تغییر محسوسی نکرده است. این می‌تواند حاکی از ثبات نسبی باورهای مثبت درباره ازدواج در فرهنگ ایرانی باشد. برای مشاوران خانواده و برنامه‌ریزان اجتماعی، این یافته نشان می‌دهد که تبلیغات و آموزش‌های مثبت درباره ازدواج می‌تواند برای هر دو نسل به یک اندازه مؤثر باشد.

جدول ۴. نتایج آزمون تحلیل واریانس برای بررسی تفاوت نگرش دختران و پسران مجرد متولد دهه‌های ۶۰ و ۸۰ نسبت به راهکارهای تسهیل ازدواج

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	Sig.	توان آزمون
مدل تصحیح شده	۳۱۰۵/۰۹	۱	۳۱۰۵/۰۹	۵/۶۲	۰/۰۲	۰/۶۶
عرض از مبدأ	۷۴۸۰۴۶۱/۸۲	۱	۷۴۸۰۴۶۱/۸۲	۱۳۵۲۷/۹۸	۰/۰۰۱	۱/۰۰
دهه تولد	۳۱۰۵/۰۹	۱	۳۱۰۵/۰۹	۵/۶۲	۰/۰۲	۰/۶۶
خطا	۲۳۳۹۰۲/۹۹	۴۲۳	۵۵۲/۹۶			
کل	۷۷۳۰۳۸۱/۰۰	۴۲۵				
کل تصحیح شده	۲۳۷۰۰۸/۰۸	۴۲۴				

مطابق جدول (۴) تحلیل واریانس یکطرفه نشان داد که تفاوت بین دو گروه از نظر آماری معنادار است ($F=5.586$, $P<0.05$). این یافته تأیید می‌کند که بین نگرش دو نسل نسبت به راهکارهای تسهیل ازدواج تفاوت معناداری وجود دارد. سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ و مقدار F به دست آمده نشان‌دهنده قدرت این تفاوت است. توان آزمون برابر ۰/۶۶ است که نشان می‌دهد آزمون از قدرت نسبتاً مناسبی برای تشخیص تفاوت واقعی برخوردار بوده است. مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد متولدین دهه ۸۰ به طور میانگین حدود ۵/۴ امتیاز بالاتر از متولدین دهه ۶۰ راهکارهای تسهیل ازدواج را مؤثرتر ارزیابی کرده‌اند. انحراف معیارهای تقریباً مشابه در دو گروه (۲۳/۶۷ در مقابل ۲۳/۳۷) نشان‌دهنده پراکندگی نسبتاً یکسان نمرات در هر دو نسل است.

علاوه بر این، نتایج تحلیل واریانس دوطرفه نشان داد علاوه بر اثرات اصلی، اثر متقابل دهه تولد $\times$ جنسیت نیز بر نگرش به ازدواج معنادار بود ($P < 0.05$). این یافته بیانگر آن است که تفاوت نگرش دختران و پسران در دو نسل، الگوهای متفاوتی داشته است؛ به گونه‌ای که دختران دهه ۸۰ نگرش انتقادی‌تر و مشروط‌تری داشتند، در حالی که پسران دهه ۶۰ نگرشی سنتی‌تر و مثبت‌تر ابراز نمودند.

این یافته می‌تواند بیانگر تغییرات نسلی در پذیرش راهکارهای جدید برای تسهیل ازدواج باشد. از دیدگاه عملی، این تفاوت می‌تواند ناشی از تغییر نگرش‌ها و انتظارات نسل جوان نسبت به ازدواج باشد. متولدین دهه ۸۰ ممکن است راهکارهای نوین مانند مشاوره پیش از ازدواج، کاهش هزینه‌های مراسم یا برنامه‌های دولتی را مؤثرتر ارزیابی کنند. این یافته برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان حوزه خانواده حائز اهمیت است، چرا که نشان می‌دهد نسل جوان نسبت به راهکارهای تسهیل ازدواج پذیرش بیشتری دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش، تفاوت‌های معناداری را در نگرش به ازدواج براساس متغیرهایی نظیر سن، تحصیلات، وضعیت اقتصادی، محل سکونت و سطح دینداری نشان داد. این نتیجه با مطالعات Delkhamoosh (۲۰۱۳) و Aghasi و FallahMinbashi (۲۰۱۵) هم‌راستا است که تأثیر متقاطع عوامل جمعیت‌شناختی را بر نگرش به ازدواج گزارش کرده‌اند. به عنوان نمونه، دختران تحصیل کرده دهه ۸۰ با نگرشی واقع‌گرایانه‌تر و مبتنی بر برابری جنسیتی به ازدواج نگاه می‌کنند، در حالی که دختران با سطح تحصیلات پایین‌تر (به‌ویژه در مناطق روستایی) همچنان متأثر از هنجارهای سنتی هستند. پسران نیز در صورت برخورداری از امنیت شغلی و اقتصادی، نگرش مثبت‌تری به ازدواج دارند. این یافته‌ها با نظریه‌های توسعه اجتماعی و نوسازی (Inglehart & Welzel, 2005) همخوانی دارد. علاوه بر این یافته‌ها نشان داد که دختران و پسران در دو نسل متفاوت، درک متمایزی از موانع ازدواج دارند. متولدین دهه ۶۰ بیشتر موانع اقتصادی و فرهنگی را مهم می‌دانند (مانند مهریه، فشارهای خانواده، هزینه‌های مسکن و مراسم ازدواج)، در حالی که متولدین دهه ۸۰ علاوه بر موانع اقتصادی، به مسائل روان‌شناختی، نگرشی، بی‌اعتمادی و ترس از تعهد نیز اشاره دارند. دختران دهه ۸۰، نگرانی‌هایی همچون نبود احترام متقابل، محدودیت آزادی و احتمال خشونت عاطفی را برجسته کردند؛ در حالی که پسران بیشتر دغدغه تأمین مالی و فشار نقش نان‌آور را دارند. این یافته با پژوهش‌های Ghyasvand (۲۰۲۴) و Imam و Akhouri (۲۰۲۲) هم‌راستا است و نشان می‌دهد گفتمان ازدواج در نسل جدید به سمت تحلیل روانی و اجتماعی عمیق‌تر حرکت کرده است.

نتایج نشان داد که متولدین دهه ۶۰ نگرش مثبت‌تری به پیامدهای ازدواج دارند؛ آنان ازدواج را بستری برای آرامش روانی، تعادل زندگی، تداوم نسل و کسب شأن اجتماعی می‌دانند. در مقابل، نسل دهه ۸۰ با وجود پذیرش برخی مزایای ازدواج (همچون حمایت عاطفی)، نگاهی انتقادی‌تر و مشروط‌تر دارند. برای آن‌ها، ازدواج در صورتی مطلوب است که مبتنی بر مشارکت، صمیمیت واقعی و رشد فردی باشد. این تفاوت نگرش، بیانگر فاصله نسلی در معنابخشی به ازدواج است که در پژوهش‌هایی همچون Razeghi و همکاران (۲۰۱۷) و Mikulincer و Shaver (۲۰۱۰) نیز انعکاس یافته است. نظریه دلبستگی و نظریه‌های هویت‌یابی تحولی نیز این تفاوت‌ها را قابل‌پیش‌بینی می‌دانند.

علاوه بر این، تحلیل داده‌ها نشان داد که نسل دهه ۶۰ بیشتر بر راهکارهای اقتصادی و سنتی تأکید دارند (مانند وام ازدواج، کمک خانواده‌ها، ساده‌سازی مراسم)، در حالی که نسل دهه ۸۰ پیشنهادهایی از جنس مدرن‌تر ارائه داده‌اند؛ از جمله آموزش مهارت‌های ارتباطی، مشاوره پیش از ازدواج، ارتقاء سواد عاطفی، اصلاح گفتمان رسانه‌ای درباره ازدواج و حذف کلیشه‌های جنسیتی. دختران به‌ویژه تأکید بیشتری بر برابری حقوقی، استقلال مالی و حمایت اجتماعی برای ازدواج موفق دارند. این داده‌ها با یافته‌های Nikkhah و همکاران (۲۰۱۷) و Schultz و Schultz (۲۰۲۴) مطابقت دارد و بر ضرورت بازنگری در سیاست‌گذاری فرهنگی و آموزشی تأکید می‌کند.

یافته‌های پژوهش به روشنی تأیید می‌کنند که نگرش به ازدواج، میان دو نسل دهه ۶۰ و ۸۰، تفاوت بنیادین دارد. این تفاوت‌ها نه تنها در مؤلفه‌های شناختی، هیجانی و رفتاری نگرش آشکار است، بلکه در نحوه معناپردازی به ازدواج، انتظارات از همسر، و اهداف از زندگی مشترک نیز قابل مشاهده است. نسل دهه ۶۰ عمدتاً تحت تأثیر ارزش‌های جمع‌محور، هویت‌سازی اجتماعی و آموزه‌های دینی، ازدواج را نه فقط یک نیاز، بلکه یک وظیفه و ارزش تلقی می‌کند. در مقابل، نسل دهه ۸۰، ازدواج را انتخابی آگاهانه، قابل مذاکره، و وابسته به کیفیت رابطه می‌بیند. این شکاف نسلی، تأییدکننده تحلیل‌های نظری در حوزه تغییرات فرهنگی و اجتماعی در ایران معاصر است (Inglehart & Welzel, 2005). همچنین، این یافته‌ها ضرورت تدوین رویکردهای متفاوت در آموزش، مشاوره و سیاست‌گذاری ازدواج برای نسل‌های مختلف را گوشزد می‌کند.

در مجموع می‌توان اینگونه یافته‌ها را مورد بحث قرار داد که تفاوت معناداری میان نگرش متولدین دهه ۶۰ و دهه ۸۰ نسبت به ازدواج وجود دارد. این یافته با مطالعات Razeghi و Ghyasvand (۲۰۲۴) و Atli و Keldal (۲۰۲۰)، همکاران (۲۰۱۷) هم‌راستاست که بیان می‌کنند نسل‌های جدید با نگرشی فردمحورانه‌تر، محتاط‌تر و انتخاب‌گرایانه‌تر به ازدواج می‌نگرند. جوانان دهه ۸۰ بیش از پیش بر کیفیت رابطه، مشارکت برابر، آزادی شخصی و هم‌خوانی روانی تأکید دارند، در حالی که نسل دهه ۶۰ بیشتر ارزش‌های سنتی مانند وظیفه‌مداری، وفاداری، و تقدس نهاد ازدواج را مدنظر قرار می‌دهد.

این تفاوت‌ها را می‌توان در چارچوب نظریه «تغییر ارزش‌ها» اینگلهارت و نظریه سرمایه فرهنگی بورديو تحلیل کرد. نسل جدید در فضایی اجتماعی-فرهنگی رشد یافته که در آن ارزش‌های پسمادی، فردگرایی و آزادی انتخاب تقویت شده‌اند. از این منظر، دگرگونی نگرش‌ها نه نشانه بحران، بلکه انعکاس تحولات ارزشی در جامعه در حال گذار کشور است.

از بعد نقش تفاوت جنسیتی در نگرش به ازدواج نیز تحلیل داده‌ها نشان داد که نگرش دختران و پسران نسبت به ازدواج تفاوت‌های بارزی دارد. دختران بیش از پسران بر مؤلفه‌های عاطفی، امنیت روانی و کیفیت رابطه تأکید می‌کنند، در حالی که پسران نگرانی‌هایی چون مسئولیت مالی و تعهد بلندمدت را پررنگ‌تر می‌بینند. این یافته‌ها هم‌سو با پژوهش‌های Imam و Akhouri (۲۰۲۲) و Foroutan (۱۳۹۷) است. این تفاوت را می‌توان با اتکاء به نظریه نقش‌های جنسیتی و نیز تأثیرات ساختار پدرسالارانه در تحلیل اجتماعی تبیین کرد. زنان به واسطه تجربه اجتماعی خاص خود، به برابری، احترام متقابل و رضایت هیجانی در ازدواج حساس‌ترند، در حالی که مردان بیشتر درگیر انتظارات اقتصادی و فشار نقش نان‌آور بودن هستند.

یافته‌ها نشان داد که هر دو نسل، موانع اقتصادی را مهم‌ترین مانع ازدواج می‌دانند، اما نسل جدید، بیشتر بر موانع روانی، نگرشی و ساختاری تأکید داشتند. مطالعات Bagi و همکاران (۲۰۲۳) و Nikkhah و همکاران (۲۰۱۷) نیز به همین نکته اشاره کرده‌اند. تفاوت رویکرد به موانع ازدواج در میان دو نسل را می‌توان نشانه‌ای از «تغییر شکل تعهد» دانست. نسل دهه ۸۰، پیش از ورود به تعهد زناشویی، به دنبال تحقق فردی، شناخت روانی از شریک زندگی، و اطمینان از هم‌خوانی ارزشی است؛ در حالی که نسل دهه ۶۰ تعهد را نقطه آغاز مسیر رشد تلقی می‌کرد.

یافته‌ها نشان داد که متولدین دهه ۶۰، نگرش مثبت‌تری به پیامدهای ازدواج دارند؛ از جمله آرامش روانی، انسجام اجتماعی و تداوم نسل. در مقابل، متولدین دهه ۸۰ نگاه پیچیده‌تری دارند؛ آن‌ها در کنار ادعان به مزایای ازدواج، تردیدهایی در خصوص پایداری و کیفیت رابطه دارند. این تفاوت نگرش را می‌توان با توجه به سبک‌های دلبستگی، تجربه‌های بین‌نسلی و گفتمان‌های غالب در رسانه‌ها تحلیل کرد. نسل دهه ۸۰ شاهد افزایش طلاق، تنوع سبک‌های زندگی و تضعیف الگوهای سنتی بوده است، بنابراین دیدی انتقادی‌تر به ازدواج دارد.

در مجموع نگرش به ازدواج پدیده‌ای پیچیده و لایه‌مند است که ممکن است در قالب کمی به‌طور کامل منعکس نشود. بنابراین به عنوان یک محدودیت می‌توان گفت احتمال سوگیری‌های اجتماعی در پاسخ‌گویی، به‌ویژه در موضوعات

حساس مانند نگرش به جنس مخالف، استقلال عاطفی یا نگرانی‌های جنسی وجود دارد. همچنین گرچه پژوهش بر تنوع نسلی و جنسیتی تمرکز داشته است، اما نمونه‌گیری محدود به مناطق خاص یا شهرهای خاص ممکن است موجب شود که یافته‌ها نمایانگر نگرش عمومی جامعه ایرانی با همه تنوع فرهنگی، قومی و منطقه‌ای آن نباشد. به‌ویژه تفاوت‌های موجود میان جوانان ساکن در کلان‌شهرها، شهرهای کوچک، و مناطق روستایی کمتر در سطح ملی تعمیم‌پذیر است. از این‌رو، انجام پژوهش‌های میان‌نسلی گسترده با هدف تحلیل روندهای تحول نگرشی در چهار دهه اخیر، امکان تبیین پویایی‌های نسلی در ایران را فراهم می‌کند. این پژوهش‌ها می‌توانند با تمرکز بر شاخص‌هایی نظیر فردگرایی، نقش دین، ارزش‌های خانوادگی و رویکرد به جنس مخالف طراحی شوند. همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های روان‌شناختی با رویکرد کمی و ابزارهای تخصصی (مانند پرسشنامه دلبستگی هازن و شیور یا طرحواره یانگ) طراحی شوند تا نقش ساختارهای روانی در نگرش به ازدواج - به‌ویژه در نسل دهه ۸۰ - آشکار گردد.

در حیطه کاربردی، بازنگری در محتوای آموزش‌های پیش از ازدواج با رویکرد بین‌نسلی و بین‌جنسیتی ضروری است؛ بسته‌های آموزشی باید متناسب با نگرش‌های نسل دهه ۸۰ و بعد از آن طراحی شوند و به جای تکرار کلیشه‌های سنتی، بر مهارت‌های گفت‌وگو، حل تعارض، سواد هیجانی، تحلیل باورها و خودشناسی تمرکز کنند. محتوای آموزشی نیز بهتر است برای دختران و پسران به صورت تفکیکی و نیازمحور تدوین گردد. همچنین رسانه‌های عمومی - به‌ویژه صداوسیما - لازم است به جای نمایش چهره‌های ناکارآمد یا ترس‌برانگیز از ازدواج، الگوهای واقعی، موفق، مشارکت‌محور و همدلانه از زندگی مشترک ارائه دهند.

علاوه بر این، یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند راهنمای سیاست‌گذاران فرهنگی، آموزشی و مشاوران خانواده باشد. برای نسل دهه ۶۰ تقویت حمایت‌های اقتصادی و خانوادگی در تسهیل ازدواج ضروری است، در حالی که برای نسل دهه ۸۰ باید بر ارتقاء سواد هیجانی، آموزش مهارت‌های ارتباطی و کاهش نگرانی‌های روان‌شناختی از تعهد زناشویی تأکید شود.

ملاحظات اخلاقی و پیروی از اصول اخلاق پژوهش

در این پژوهش به شرکت‌کنندگان در مورد محرمانه ماندن اطلاعاتشان اطمینان داد شد و افراد داوطلبانه بدون هیچ اجباری به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند.

حامی مالی

هزینه‌های این مطالعه توسط نویسنده اول مقاله تأمین شد.

مشارکت نویسندگان

در تدوین این مقاله همه نویسندگان مشارکت یکسان داشته است.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

References

- Abdi Zarrin, S., Najafellizadeh, A., Monirpour, N. (2022). Predicting attitudes towards marriage based on basic needs theory of family choice and functioning in single students of Farhangian University. *Culture in Islamic University*, 12(43), 255-272. [In Persian] [\[Link\]](#)
- Aghasi, M. and FallahMinbashi, F. (2015). The Attitudes of Iranian Youth towards Marriage, Marriage Partner Selection and Forming a Family. *Women Studies*, 6(0), 1-21. [In Persian] [\[Link\]](#)
- Bagi, M. and Sadeghi, R. (2023). Marriage patterns of Iranian ethnic groups during the last two decades: Convergence or continuity of differences?. *Socio-Cultural Strategy*, 11(4), 437-472. [In Persian] [\[Link\]](#)
- Cheng, Y.-H. A., & Yang, C.-L. W. (2021). Continuity and changes in attitudes toward marriage in contemporary Taiwan. *Journal of Population Research*, 38(2), 139-167. [\[Link\]](#)
- Delkhmoosh, MT. (2013). Iranian youth's feedback on marriage values: Findings of a national survey, *Quarterly Journal of Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, 9(36), 331-350. [In Persian] [\[Link\]](#)

- Ebrahimi, N., Koraei, A., Abbaspour, Z., Shahbazi, m. (2020). The Effects of Dimensions of Individual Identity on Attitude towards Marriage through Mediating Elements of Marital Horizons among Single Female Postgraduate Students. *Women Studies*, 11(31), 1-24. [In Persian] [[Link](#)]
- Foroutan, Y. (2019). Social Attitude toward Marriage Patterns in Iran. *Journal of Population Association of Iran*, 13(26), 9-36. [In Persian] [[Link](#)]
- Ghanipourajabad, T. and javamshirafshar, M. (2022). Predicting attitudes towards marriage in young people based on internal and external religious orientation and time perspective. *Applied Research in Consulting*, 5(1), 19-33. [In Persian] [[Link](#)]
- Ghazanfari, E., Kazemnejad, A., Gholami Fesharaki, M. (2018). Affecting Factors on Marital Attitude Pattern in Police Staff; Path Analysis Model. *J Police Med*, 7 (1), 19-23. [In Persian] [[Link](#)]
- Ghorbani, Z. and Torabi, F. (2021). Changes in the Ideal Age at Marriage in Iran and its Determinants between 2004 and 2015. *Journal of Population Association of Iran*, 16(31), 33-59. [In Persian] [[Link](#)]
- Ghyasvand, A. (2024). Marriage paradigm in Iranian youth; Types and challenges, *Strategic Studies On Youth and Sports*, 22(62), 479-506. [In Persian] [[Link](#)]
- Hippen, K. A (2016) "Attitudes toward marriage and long-term relationships across emerging adulthood." Georgia state university, department of sociology.
- Imam, K., & Akhouri, D. (2022). Marriage and adjustment. *International Journal of Health Sciences*, 6(S3), 11413–11415. [[Link](#)]
- Inglehart, R., & Welzel, C. (2005). *Modernization, Cultural Change, and Democracy: The Human Development Sequence*. Cambridge University Press. [[Link](#)]
- Karimi, Y. (2023). *Attitude and Attitude Change* (19th edition) Tehran: Editorial Publications. [[Link](#)]
- Kazemipour, Sh. (2022). Family developments in contemporary Iran with emphasis on marriage and divorce. *Research on deviations and social issues*. 4 (2), 95-126. [In Persian] [[Link](#)]
- Keldal, G., & Atli, A. (2018). Predictors of Turkish university students' marital attitudes. *Current Psychology*, 39, 1354–1361. [[Link](#)]
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2010). *Attachment in adulthood: Structure, dynamics, and change*. Guilford Publications. [[Link](#)]
- Nikkhah, H. A., Fani, M. and Asgharpour, A. (2017). Students' Attitude Towards Marriage and Factors Affecting It. *Journal of Applied Sociology*, 28(3), 99-122. [In Persian] [[Link](#)]
- Razeghi, N., Alizadeh, M. and Mohamadi Sangcheshmeh, S. (2017). A Sociological Analysis of Youths' Attitudes towards Marriage through Cyberspace. *Journal of Applied Sociology*, 28(1), 67-86. [In Persian] [[Link](#)]
- Schultz, D. P., Schultz, S. E., & Maranges, H. M. (2024). *Theories of Personality* (12th ed.). Cengage Learning.
- Tajbakhsh, G. and Nasiri, M. (2021). The Relationship between Economic Variables and the Increasing Age of Marriage: General Population Policy Approach. *Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies*, 9(33), 82-103. [In Persian] [[Link](#)]
- Vannier, S. A., & O'Sullivan, L. F. (2017). Passion, connection, and destiny: How romantic expectations help predict satisfaction and commitment in young adults' dating relationships. *Journal of Social and Personal Relationships*, 34(2), 235–257. [[Link](#)]